



شماره ۲	اول اردیبهشت ۱۳۰۰	سال ۴
No. 2	22 Avril 1926	Année 4

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

## قیمت فلسفی

[بقیه از شماره پیش]

### روح و قوای او

معرفت روح و قوای او - روحشناسی در تمدنات قدیمه و جدیده - شمول فن روحیات - مقایسه قوای مادی و قوای روحی - قوای روحی و استفاده از آنها.

این را قبلاً باید دانست که فن روح شناسی (روحیات) بسیار وسیع است و امروز کمتر علمی هست که از قوانین و دستورهای این فن استمداد و اشتقاق نکند. فن تاریخ، علوم

طبیعی، صنایع ظریفه، حقوق و قوانین، علم ادیان و عقاید و اساطیر، فن طبابت، تعلیم و تربیت، ادبیات و حتی فن سیاست و دیپلوماسی و مملکت‌داری و علوم اجتماعی و اقتصادی همه محتاج بـمعاونت فن «روحیات» هستند. چنانکه می‌بینیم هر يك از این فنون يك رشته روحیات دارد که در آن باب کتابهای فراوان تألیف شده است مانند: روحیات ملل، روحیات تعلیم و تربیت، روحیات اطفال، روحیات جماعات و افراد، روحیات ادیان، روحیات تاریخ، روحیات قوانین، روحیات پلیسی، روحیات اقتصادی، روحیات طبی و طبابت روحی و امثال اینها. از این نقطه نظر، هیچ کس در هر کج و مسلك و عقیده بوده باشد اگر آرزوی ترقی و زندگی بهتری دارد از تحصیل فن «روحیات» بی‌نیاز نخواهد بود. علاوه بر این، بعضی از قضایای علوم اسرار و مغیبات (۹) مانند هیپنوتیزم، مانیتیزم، تله‌پاتی، مدیومیزم، تله‌کنزی، اسپریتیزم، کوئه‌ایزم و امثال اینها که هنوز کاملاً بقواعد و مبانی اساسی آنها پی نبرده و بحوزه فنون مثبتة قبول نکرده‌اند نیز در جزو فنون «روحیات» تدقیق می‌تواند بشود چه اینها از روی آثاری که ظاهر می‌کنند منابع قدرتهای بی‌پایانی هستند که غالباً خارج از دایره ادراک امروزی بشر است و کشف این قدرتها و قوه‌ها است که صفحه تمدن را در آینه بکلی تغییر خواهد داد. امروز که قرن طلایی ترقیات و اختراعات فنی است، اروپائی افتخار میکند که اینهمه وسایل قلبیه و استراحت و تفریح و خوش گذرانی و آبادی و استیلا و آدم‌کشی اختراع کرده است. در حقیقت، این اختراعات آتقدیر مهم بوده و صفحه روی زمین را تغییر داده و سرعت پیش میرود که تمدنات قدیمه در نزد این

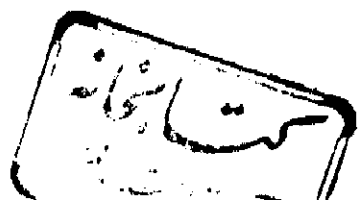
یکی بافسانه و بسایه می‌ماند و بقول یکی از پیشگویان آلمان در سالهای آینده عدد اختراعات تازه بحدی خواهد رسید که دیگر فرصت شرح و بسط آنها در اوراق جراید نخواهد ماند.

بلی، امروز اروپائیان با قوه الکتریک تاریکترین گوشه‌های زمین را روشن می‌سازند، با کشتیهای کوه آسای خود سینه دریاها و اقیانوسها را شکافته هزارها قوس و امتعه را بدورترین قطعه عالم می‌برند: با هواپیماها، سیم‌رغ‌صفت، فضای هوا را با سرعت تمام طی میکنند و بقطب شمال سیاحت کرده می‌خواهند دور قطب را گردش کنند؛ با اشعه «روتگن» داخل بدن را دیده بسیاری از علل امراض را کشف میکنند و از بخارهای تنور نانوایا آلکل می‌سازند؛ با میکروسکوپها ریزترین ذرات و میکروبها را کشف و با تلسکوپها آسمان و ستاره‌ها را زیر تدقیق آورده مسافتها و قطرها و حرکات آنها را تعیین می‌کنند و بخیال مخابره با مریخ افتاده و نقشه انداختن نوبی را بوسیله هواپیما به جو لایتناهی می‌کشند (۱۰)؛ بالاخره با «رادیو» امواج صدای ناطقین و واعظین و معلمین و سیاسیون و نواهای موسیقی و غیره را بهر گوشه بخواهند بدون سیم می‌فرستند و میکوشند با استعمال این قوه اوتوموبیلها و کشتیها و هواپیماها را هم از دور اداره کنند و حتی آلهائی ایجاد نمایند که يك شهر را در يك آن زیر و رو کند و یا چندین هزار قوس را در یکدم بیروح سازد!...

با همه اینها، انسان کنونی از قدرت قوای روحی و آسمانی غافل است و نمیداند که این قوا بیشتر و بالاتر از این قوای مادی مصدر سحر و معجزه میباشد. او هیچ ملتفت نیست که این موفقیتهای وی در ترقیات و اختراعات مادی کاملاً نتیجه استعمال

[۱۰] از قراریکه میگویند در آمریکا عنقریب این صکار را خواهند صکرد.

قوای روحی او است و اگر قوای روحی او تکامل نکرده بود و مثلاً قوه تفکر وی در درجه ابتدائی مانده بود از کجا بدین ترقی دسترس می‌شد. اگر نظری بتاریخ شکل ادیان بیندازیم قدرت خالقه قوه فکر را تماشا میتوانیم کنیم. این همین قدرت فکر و ایمان يك شارع است که از يك طرف مليونها بشر را نه در يك روز و يك ساعت، بلکه قرن‌ها بجنگ و جدال و خونریزی و تخریبات و امیدارد و از طرف دیگر به آباد کردن و ساختن آثار دلربای معابد و ابنیه و هیكلها و پرده‌های روح بخش نقاشی و صنعتی قادر میکند!... به بیند يك «قولوا لا اله الا الله» چه قدرتی در تاریخ بشر نشان داده است و چگونه بیش از هزار سال قریب يك ربع کره زمین مسکون را جولانگاه انقلابات شدید کرده است! همینطور است کلمات موسی و عیسی و بودا و امثال آنان!... آیا کدام قوه مادی در سرعت سیر میتواند پای قوه فکر برسد که بمحض تصور اینکه مثلاً ستاره نبتون چهار هزار و پانصد میلیون کیلومتر از آفتاب دور است قوه فکر ما این مسافه را قطع میکند یعنی تصور ما و قطع این مسافه در يك آن واقع می‌شود. همینطور مفهوم «ابدیت» جز بقوه فکر ما فهمیده نمی‌شود چه این قوه پرتو روح ماست و با زمان و مکان محدود نیست! آیا آن قوه که عیسی را در بالای دار از حس درد و سوز آنهمه عذابها محفوظ داشت چه بود؟ آن کدام قوه بود که حسین بن علی را با یقین قطعی بشهادت خود و با آن تنهائی خویش و کثرت دشمن بمبارزه و جانبازی واداشت. آن کدام قوه بود که کلسه زهر را بسقراط مانند شراب طهور گوارا کرد و آن کدام قوه بود که منصور را در بالای دایره خندان ساخت و پس از بریدن يك دست با دست دیگر خود خون آنرا برداشته



رخسار خود را آبیاری نمود و باز از رسانیدن انا الحق بگوش  
ناشنوای مردم نا بینا دست نکشید؟

آیا قوه حافظه بشر با کدام قوه مادی قابل مقایسه است؟  
این قوه حافظه که تمام محسوسات خارجی و داخلی ما را از روز  
تولد تا دم واپسین مرگ اخذ کرده تقسیم و جور نموده در  
محفظه‌های مخصوص هر کدام نگاه میدارد و هر دقیقه که بخواهیم  
یکی از این ملیونها محفوظات را بخاطر بندازیم فوری آنرا برای  
ما پیدا کرده نشان میدهد و ما از اینها هر قدر بکار بریم هرگز  
چیزی کاسته نمی‌شود!

آیا این چه قوه اسرارانگیز است که در حالت خواب و  
رؤیا اوضاع گذشته و حالیه را برای ما کشف میکند و از محفوظات  
قوه حافظه ما پرده‌های رنگارنگ نقاشی، تیاترها، سینه‌ماها،  
سرگذشتها و رمانهای حیرت‌انگیز ترتیب داده و آنها را با يك  
سرعت ناقابل تصور از جلو چشم ما میگذرانند؟ آیا کدام يك از  
قوای مادی امروزی با این یکی برابری میتواند کند؟ آیا چه  
قدرت خالق‌ه‌ایست این قوه شعور باطنی ما که در موقع خواب  
یعنی وقتیکه حواس و شعور ظاهری ما یا از میدان در کشیده  
و بگوشه استراحت رفته‌اند، در يك دنیای جدید ما را سیر میدهد  
و از همه غریب‌تر وقتیکه بوسیله خواندن يك دعا و یا بمحض  
تصمیم و عزم می‌خواهیم در فلان ساعت شب بیدار شویم، این قوه  
اسرارانگیز (شعور باطنی) مثل اینکه تقسیمات زمانی ما را می  
شناسد و برای ما كشيک میکشد در سر همان ساعت ما را بیدار  
میکند از این هم عجیب‌تر، همین قوه در بعضی اوقات ما را  
از حوادث آتیه که هنوز در مگمن غیب مستور است خبردار می  
سازد و پس از مدتی وقوع آن حوادث با همان جزئیات که در

خواب دیده‌ایم ما را بحیرت می‌اندازد!...

آیا کدام قدرت مادی با قدرت خالقۀ ارادۀ انسانی همسری  
 میتواند کند که این قوه کوهها را از جا می‌کند، دریاها و اقیانوس  
 ها را می‌نوردد و موانع زمین و زمان را از میان بر میدارد و عنان  
 افکار ملیونها بشر را در دست خود گرفته بهر سو می‌خواهد مانند  
 کله کوسفند آنان را میراند و میچراند؟... آیا کدام قدرت مادی  
 بقدر قدرت عشق و محبت در نفوس بشر و حتی در حیوانات تأثیر  
 میتواند بخشد؟ آیا عیسی بن مریم که حرفهای نرمین او بنیان  
 چندین هزار سالۀ سلطنت قهار و استبدادی امپراطوری روم را  
 سرنگون ساخت چه آلتی جز «محبت» در دست داشت؟ و آیا  
 انبیا و اولیای شرق و اعزۀ نصاری و مرتاضین هند و غیره که  
 برام کردن حیوانات درنده و وحشی دسترس می‌شدند چه اسبابی  
 غیر از جاذبه روحی و فسون «محبت» بکار میبردند؟

آیا چه قوه مادی با قوه ایمان برابری میتواند کند و بقدر  
 این قوه روشنائی و بینائی میتواند بخشد که می‌بینیم هر وقت این  
 آتش مقدس الهی از کانون يك سينۀ پاک زبانه کشیده است دل‌های  
 تاریک و قسوتناک کرورها نفوس بشر را روشن و چشمهای باطنی  
 کرورها نایبایان را یبنا ساخته است؟

آیا این چه جاذبه‌ایست که در بعضی اشخاص در شکل  
 «مغناطیس انسانی» ظاهر می‌شود و دقت و محبت اطرافیان خود  
 را مانند آهنربا بسوی خود میکشد و چه قوه پراسراری است  
 این قوه که آنرا «حس قبل الوقوع» مینامیم که نه تنها آمدن بعضی  
 اشخاص را از مسافتهای دور بطرف ما محسوس می‌سازد، بلکه  
 ظهور بعضی از حوادث را نیز مدتی قبل از حدوث برای ما خبر  
 میدهد؟

بلی اینها همه قوه‌های روح خالقه انسانی است که هنوز بشر بکنه آنها پی نبرده و به‌استفاده کامل از آنها دسترس نشده است. اینها جز انعکاس و پرتو قدرت الهی چیز دیگر نیست. منبع قدرت لایزال و آثار باهره ابدیت و ربوبیت همین قوه‌ها است که جهان ما را احاطه کرده است! اینها جرعه‌های آتش قدرت خدائی است که از دماغ و قلب افراد بشر برق وار ساطع میگردد! ما راست که بدانیم که این قوه‌ها و چندین قوه‌های دیگر آسمانی و غیبی که هنوز ادراک بشر بکشف اسرار آنها موفق نشده در دسترس هر يك از افراد انسانی گذاشته و تکمیل آنها نیز بدست اختیار او داده شده است چه خداوند هیچ يك از بندگان خود را از خوان پیدریغ قدرت خود محروم کردن نخواست است و بلکه فرموده: «ای بنده من اوامر مرا بجای آور تا ترا مثال خویش سازم». آنچه نوع انسانی که در میان موجودات و کاینات مانند قطره‌ایست در پهلوی اوقیانوس، با این منفر کوچک خود تا کنون بوجود آورده، خود دلیل قطعی است بر اینکه او مظهر قدرت الهی است و برای نیل او بعالیترین مقامی که خود تصور آنرا می‌تواند کند جز خود مانعی نیست. مگر نه حضرت محمد میفرمود که «من نیستم مگر يك فرد بشر مثل شما که بر من وحی نازل می‌شود»؟ مگر نه حضرت عیسی تکرار مینمود که: «من و پدر یکی هستیم» و مگر نه این است که «روح امری است از جانب خدا» و امر خدا جز قدرت خدا چیزی دیگر نیست؟...

تو نیز ای خواننده محترم باید بدانی که استفاضه تو از این منابع فیض خدائی در دست خود تو است! از اینهمه قوه‌های بی‌حدود و اینهمه قدرت‌های پیکران که در نفس تو و در قلب کاینات موج میزند حق انتفاع و استفاضه تو داده شده است، تو

نیز مانند عالیترین فرد انسانی بالاترین درجه کمال میتوانی بررسی، چنانکه استفاده از نور آفتاب برای همه یکسان است استفاده از سایر قوای طبیعت و قدرتهای خلقت نیز برای هر فرد آزاد و حلال میباشد و تنها معرفت نفس و بصیرت و اراده لازم است. اگر میخواهی در حال کنونی خود نمانده ترقی کنی و اگر میخواهی بر تمام موانعی که در جلو آرزوهای صمیمی تو سدی شده غالب یائی و اگر میخواهی مانند میلیونها افراد بشر مرده متحرک نمائی و اگر میخواهی جهان را از انوار فیوضات ربانی که در نهاد تو ودیعه گذاشته شده است، منور سازی و اگر می خواهی خود را مافوق زمین و زمان و بالای قرون و اعصار قرار بدهی، عزم خود را جزم کن و اراده خود را تکان بده و بشناختن قوای خالقه روح انسانی بکوش تا جهان دیگر و روشنتری بروی تو باز شود و زندگی عالیتر و پاکتری برای تو مهیا گردد!...

من خواهم کوشید پرده از روی اسرار این قوای خالقه روح مانند قوه فکر، قوه اراده، قوه عقل، قوه ایمان، قوه محبت، قوه شعور ظاهری و باطنی، قوه جاذبه و غیره بردارم یعنی روح تو را بتو بشناسانم و تو را بحر مسرای حقیقت و عظمت «فلسفه توحید» رهنمائی کنم!

برلین — بهمن ماه ۱۳۰۴ — ح. ک. ایران‌شهر

